

تحلیل موانع شرکت کارمندان زن در برنامه‌های اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت بدنی (مورد مطالعه: شهرداری منطقه ۸ شهر تهران)

علی اصغر دورودیان* - معصومه شهبازی** - آرزو گودرزی***

استادیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال - استادیار دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی - کارشناسی ارشد گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

هدف کلی پژوهش حاضر شناسایی موانع شرکت کارکنان شهرداری منطقه ۸ در فعالیت های اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت بدنی بود. جامعه آماری این پژوهش کارکنان زن منطقه ۸ شهرداری تهران بودند که تعداد آنها ۲۰۰ نفر هست. نمونه آماری براساس جدول مورگان و کرجسی ۱۲۷ نفر و به صورت طبقاتی تصادفی انتخاب شدند. در این تحقیق از پرسشنامه موانع شرکت کارکنان در فعالیت های ورزشی (نادریان جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸) استفاده شد. در محاسبه شاخص های گرایش به مرکز و پراکندگی از آماری توصیفی و برای بررسی سوالات تحقیق از روش آمار استنباطی استفاده شد. برای تعیین نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون کلموگرف اسمیرنوف و برای اولویت بندی متغیرها از آزمون فریدمن در سطح معناداری 0.05 با کمک نرم افزار SPSS22 استفاده شد. نتایج نشان داد که در اولویت بندی عوامل بازدارنده فرهنگی اجتماعی، نگرش نامناسب همکاران به ورزش بانوان، در اولویت بندی عوامل بازدارنده اقتصادی، درآمد پایین کارمندان، در اولویت بندی عوامل بازدارنده نیروی متخصص، کمبود مربیان زن کار آموزده، در اولویت بندی عوامل بازدارنده نگرش خانواده، ممانعت خانواده از شرکت در فعالیت های ورزشی، در اولویت بندی عوامل بازدارنده مربوط به امکانات، نبودن تشکیلات ورزشی در محل کار و در اولویت بندی عوامل بازدارنده مربوط به رسانه ها، ضعف اطلاع رسانی اداره مهم ترین موانع بودند. همچنین، نتایج آزمون فریدمن نشان داد که موانع اقتصادی در اولویت اول و موانع نیروی متخصص در اولویت دوم، موانع فرهنگی اجتماعی در اولویت سوم، موانع نگرش خانواده در اولویت چهارم، موانع امکانات در اولویت پنجم و موانع تبلیغات رسانه ها در اولویت آخر قرار دارند.

کلمات کلیدی: موانع شرکت، کارکنان شهرداری منطقه ۸، فعالیت های اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت بدنی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

*Email: doroudian1980@gmail.com (نویسنده مسئول)

**Email: mahsashahbazi@yahoo.com

***Email: goodarzi123@yahoo.com

مقدمه

نیز دارای منافع و موانعی برای افراد است که این عوامل میزان گرایش فرد به فعالیت بدنی را دستخوش تغییرات می‌کند (اشراقی و همکاران، ۱۳۹۲).

بالا رفتن نرخ اشتغال زنان به منظور استفاده بهینه از توانایی‌ها و تخصص آن‌ها، ایجاب می‌کند تا امنیت روحی - روانی و جسمی ایشان با ارائه فعالیت‌های مفرح جسمانی و تفریحات ورزشی منظم و برنامه‌ریزی شده برای ارتقای سلامتی، شادابی و نشاط و توان جسمی آنان تأمین گردد. در خانواده‌هایی که زن کارمند است خواه به صورت تمام وقت و یا نیمه وقت، معمولاً تقسیم کار به صورتی نامتعادل صورت می‌گیرد. وجود وقت آزاد برای زنانی که کار تمام وقت دارند، به میزان هفت ساعت در تعطیلات آخر هفته گزارش شده است، در حالی که همین وقت برای همسرانشان معادل ده ساعت است (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲).

ورزش و فعالیت بدنی را یکی از فعالیت‌های فراغتی از نوع فعال در میان اقشار مختلف جامعه است که نقش تعیین کننده‌ای در حفظ سلامت جسمی و روحی انسان‌ها دارد و داشتن یک زندگی سالم را باید مستلزم تحرک و فعالیت ورزشی دانست. با در نظر گرفتن مطالب فوق اوقات فراغت و ورزشهای تفریحی به عنوان پدیده‌های فراگیر از ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوامع تأثیر پذیرفته و موضوعی مشترک و پر اهمیت برای تمامی اقشار جامعه است (چری و همکاران، ۲۰۱۱). ورزش و فعالیت بدنی به عنوان یک رفتار جدید نیز دارای منافع و موانعی برای افراد است که این عوامل میزان گرایش فرد به فعالیت بدنی را دستخوش تغییرات می‌کند (اشراقی و همکاران، ۱۳۹۲). ریمر و همکاران^۵ (۲۰۰۸) عوامل بازدارنده را در دو گروه شخصی و محیطی تقسیم نمودند. مهم‌ترین عوامل بازدارنده محیطی عبارت بودند از هزینه

یکی از مسائل بسیار مهمی که در زندگی همه انسان‌ها در کنار کار و فعالیت‌های روزانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اوقات فراغت^۱ و چگونگی گذران آن است. اوقات فراغت، ساعاتی است که برای تجدید قوا، رفع خستگی، استراحت، تفریح و لذت از زندگی به کار گرفته می‌شود. البته شاید این مقوله از نظر بسیاری از افراد چندان مهم و با ارزش تلقی نشود اما به جرأت می‌توان گفت همان طور که نوع شغل و میزان دقت و توجه افراد به شغل‌شان در زمان انجام آن می‌تواند باعث رشد و توسعه جامعه شود، به همان نسبت چگونگی گذران اوقات فراغت و اختصاص دادن زمان خاص به شکل صحیح و منطقی به اوقات فراغت هم می‌تواند در جای خود باعث رشد و ارتقای تک تک افراد در زندگی شخصی و اجتماعی شود (یمینی، ۱۳۹۱). زندگی سازمانی با فشارهای روانی، استرس و خستگی ناشی از کار همراه است. در چنین شرایطی، متخصصان علوم رفتاری در سازمان‌ها و ادارات تفریحات ورزشی را به عنوان وسیله‌ای مؤثر و مطلوب برای تأمین تفریح سالم و شادابی و نشاط ذکر می‌کنند تا علاوه بر بالا بردن توان کاری، برای رشد و توسعه جنبه‌های اخلاقی، روانی و اجتماعی افراد نیز مؤثر واقع شود (اسکولر^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). در هشتمین کنگره ورزش همگانی^۳ (۲۰۰۸) در کانادا نیاز فوری به ارائه یک طرح جامع در مورد تغییر شیوه زندگی و گنجاندن ورزش در برنامه زندگی برای تأمین نیازهای حرکتی و آمادگی جسمانی مورد تأکید قرار گرفت. ورزش یکی از راه‌هایی است که افراد می‌توانند به کمک آن بر فشارهای جسمی، روحی، روانی و اجتماعی ناشی از زندگی در دنیای متلاطم و پرتنش امروزی فایق آیند (میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸). هم-چنین، ورزش و فعالیت بدنی^۴ به عنوان یک رفتار جدید

۱ . Leisure time

۲ . Scholere

۳ . Attends the world sport for all

۴ . Physical activity

موانع مشاکت زنان و به ویژه زنان کارمند در فعالیتهای ورزشی می‌تواند در افزایش بهره‌وری شغلی آنها موثر باشد. از آنجایی که زنان بیشتر در مشاغل استخدام می‌شوند که شغل آنها تحرک جسمانی چندانی را به همراه ندارد، مثل کارمندان اداری، امور دفتری و منشی‌ها، و مشاغل که دارای محیط شغلی خسته‌کننده از نظر فکری و روحی است، ضروری است چاره‌ای برای به تحرک واداشتن و وارد کردن فرهنگ ورزش در زندگی آنها اندیشیده شود تا با افزایش سطح مشارکت ورزشی آنان، سلامتی و شیوه یک زندگی فعال همراه با نشاط و رفاه جسمی و روحی به آنها هدیه گردد (نادریان جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸). از طرفی دیگر با توجه به این که کارکنان و به ویژه کارکنان زن با موانع اجتماعی و فرهنگی زیادی برای حضور در اماکن ورزشی برخوردار هستند، و از سوی دیگر نیاز حضور در فعالیتهای ورزشی برای کارکنان احساس می‌شود، بنابراین، شناسایی این موانع و تعیین اولویت آنها یکی از دغدغه‌های اصلی محقق در پژوهش حاضر بوده است. بنابراین محقق با در نظر گرفتن این ابهامات در رابطه با دلایل عدم مشارکت، در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که موانع شرکت کارکنان شهرداری منطقه ۸ در فعالیتهای اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت بدنی چه عواملی هستند؟

روش شناسی

پژوهش حاضر یک تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است که به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. داده‌ها در این تحقیق به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. ابزار پژوهش پرسشنامه موانع شرکت کارکنان در فعالیتهای ورزشی بود که توسط نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۱ سوال و ۶ خرده مقیاس هست که عبارتند از عوامل بازدارنده فرهنگی اجتماعی (سوالات ۱ تا ۱۰)، عوامل بازدارنده اقتصادی (سوالات ۱۱ تا ۱۴)، عوامل بازدارنده نیروی متخصص (سوالات ۱۵ تا ۱۹)، عوامل بازدارنده مربوط به نگرش خانواده (سوالات ۲۰ تا ۲۳)، عوامل بازدارنده مربوط به امکانات (سوالات ۲۴ تا ۲۸)، عوامل بازدارنده مربوط به رسانه‌ها (سوالات ۲۹ تا ۳۱).

برنامه‌های ورزشی، عدم آگاهی از تسهیلات موجود در همسایگی یا جامعه، مشکلات حمل و نقل و مهم‌ترین عوامل بازدارنده شخصی عبارت بودند از فقدان دانش ورزشی، فقدان انرژی، فقدان انگیزش، تنبلی، فقدان علاقه، نبود وقت، دشواری انجام ورزش. از سوی دیگر، برخی از تحقیقات از مدل سلسله مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت^۱ جکسون و همکاران^۲ (۱۹۹۳) استفاده کرده‌اند و به عوامل فردی^۳، بین فردی^۴ و ساختاری^۵ به عنوان عوامل بازدارنده اشاره کرده‌اند. عوامل فردی عواملی نظیر استرس، افسردگی، اضطراب و حالت‌های روانی فرد را شامل می‌شود. عوامل بین فردی، کنش‌های بین فردی یا رابطه‌ای را شامل می‌شود و عوامل ساختاری عواملی هستند که مداخله‌گر بوده و شامل وضعیت چرخه زندگی، منابع مالی و دسترسی به فرصت‌ها را شامل می‌شود (جکسون، ۲۰۰۵). کشر و همکاران (۱۳۸۶) عوامل ساختاری را مهم‌ترین عامل بازدارنده در شرکت زنان در ورزش معرفی کرد و عوامل بازدارنده فردی و بین فردی در اولویت‌های بعدی قرار داشتند. احسانی و همکاران (۱۳۸۶) نیز نشان دادند که عوامل ساختاری مهم عامل بازدارنده برای ورزش‌های تفریحی در زنان بود. کریمیان و همکاران (۱۳۹۰) عوامل ساختاری را مهم‌ترین عامل بازدارنده از ورزش در بین کارکنان شناسایی کرد. از سوی دیگر، سلطانی (۱۳۹۲) نشان داد که علل عدم مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی - موانع زمانی و امکاناتی، عامل ساختاری، موانع خانوادگی، موانع درون فردی، موانع فرهنگی، موانع روانی رابطه معنی‌داری با موانع مشارکت زنان و دختران در فعالیتهای ورزشی - تفریحی شهر تهران (منطقه ۶ شهرداری تهران) دارند که در این بین عامل زمانی و مکانی مهم‌ترین علت عدم مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی - تفریحی تعیین گردید. ، به نظر می‌رسد شناسایی

۱ . Hierarchical Leisure Constraints Model

۲ . Jackson, Edgar L., Duane W. Crawford, and Geoffrey Godbey

۳ . Personal

۴ . Interpersonal

۵ . Structural

۱۲۷ نفر و به صورت طبقاتی تصادفی انتخاب شدند. در محاسبه شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی از آمار توصیفی و برای بررسی سوالات تحقیق از روش آمار استنباطی استفاده شد. برای تعیین نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگراف اسمیرنوف و برای اولویت‌بندی متغیرها از آزمون فریدمن در سطح معناداری 0.05 با کمک نرم افزار SPSS22 استفاده شد.

روایی این پرسشنامه توسط نادریان چهرمی و همکاران (۱۳۸۸) تایید شده است و پایایی آن نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. روایی محتوایی این پرسشنامه نیز مورد تایید ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش کارکنان زن منطقه ۸ شهرداری تهران که تعداد آن‌ها ۲۰۰ نفر بود. نمونه آماری براساس جدول مورگان و کرجسی

نتایج و یافته‌های تحقیق

جدول ۱. توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌های تحقیق

متغیر	گویه	فراوانی	درصد
دامنه سنی	۲۵-۲۹	۲۱	۱۶/۵
	۳۰-۳۴	۳۸	۲۹/۹
	۳۵-۳۹	۳۳	۲۵/۹
	۴۰-۴۴	۲	۱۷/۴
	بالاتر از ۴۰	۱۳	۱۰/۳
وضعیت تاهل	مجرد	۳۶	۲۸/۴
	متاهل	۹۱	۷۱/۶
سطح تحصیلات	دیپلم	۶	۴/۷
	کاردانی	۲۴	۱۸/۹
	کارشناسی	۵۱	۴۰/۱
	کارشناسی ارشد	۴۶	۳۶/۳
سابقه ورزشی	۱-۵	۳۵	۲۷/۵
	۶-۱۰	۶۲	۴۸/۹
	۱۱-۱۵	۲۴	۱۸/۹
	بالاتر از ۱۵	۶	۴/۷

کارشناسی (۵۱ نفر) و بیشترین فراوانی سابقه ورزشی (۶۲ نفر) ۶ تا ۱۰ سال می باشند.

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود، بیشترین فراوانی در دامنه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال، نزدیک به ۷۲ درصد متاهل، بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات

جدول ۲. اولویت بندی عوامل بازدارنده فرهنگی اجتماعی

شاخص	میانگین رتبه	انحراف معیار	رتبه	Chi-Square	df	سطح معناداری
نداشتن فرصت ورزش کردن به خاطر مشغله کاری زیاد	۳,۱۱	۰,۹۲	۱۰	۱۴۳,۸۷۴	۱۰	۰,۰۰۱
ارائه فعالیت های ورزشی در وقت های نامناسب	۴,۲۶	۱,۰۶	۹			
نبود فضاهای ورزشی ایمن در اداره یا سازمان محل کار	۶,۸۸	۱,۰۷	۶			
علاقه نداشتن به برنامه های ورزشی موجود برای کارمندان زن	۷,۰۹	۱,۰۵	۲			
نگرش نامناسب همکاران به ورزش بانوان	۷,۱۲	۰,۹۷	۱			
نداشتن یک همراه برای شرکت در فعالیت های ورزشی	۶,۸۷	۱,۰۱	۷			
قید و بند های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی	۵,۵۵	۱,۲۵	۸			
اولویت دادن کار به ورزش	۶,۹۸	۰,۹۹	۴			
اهمیت ندادن مسئولان اداره به ورزش بانوان کارمند	۷,۰۸	۴,۰۱	۳			
عدم انجام مسابقات ورزشی بین کارمندان زن	۶,۸۹	۰,۸۳	۵			

همان طور که در جدول ۲ اولویت بندی عوامل بازدارنده فرهنگی اجتماعی مشاهده می شود، نگرش نامناسب همکاران به ورزش بانوان با میانگین رتبه ۷/۱۲ در اولویت اول و علاقه نداشتن به برنامه های ورزشی موجود برای کارمندان زن با میانگین رتبه ۷/۰۹ در اولویت دوم و

اهمیت ندادن مسئولان اداره به ورزش بانوان کارمند با میانگین رتبه ۷/۰۸ در رتبه سوم قرار دارد و نداشتن فرصت ورزش کردن به خاطر مشغله کاری زیاد با میانگین رتبه ۳/۱۱ در رتبه دهم قرار دارد.

جدول ۳. اولویت بندی عوامل بازدارنده اقتصادی

شاخص	میانگین رتبه	انحراف معیار	رتبه	Chi-Square	df	سطح معناداری
بالابودن هزینه ورودی اماکن ورزشی	۲,۱۱	۱,۱۶	۳	۸۵,۷۵۰	۳	۰,۰۰۱
عدم حمایت مالی سازمان از ورزش بانوان کارمند	۲,۰۴	۱,۰۴	۴			
هزینه کردن بودجه ورزش در جاهای دیگر	۲,۸۰	۰,۹۹	۲			
درآمد پایین کامندان	۳,۰۵	۱,۲۴	۱			

جاهای دیگر با میانگین رتبه ۲/۸۰ در اولویت دوم و عدم حمایت مالی سازمان از ورزش بانوان کارمند با میانگین رتبه ۲/۰۴ در رتبه چهارم قرار دارد.

همان طور که در جدول ۳ اولویت بندی عوامل بازدارنده اقتصادی مشاهده می شود، درآمد پایین کارمندان با میانگین رتبه ۳/۰۵ در اولویت اول و هزینه کردن بودجه ورزش در

جدول ۴. اولویت بندی عوامل بازدارنده نیروی متخصص

شاخص	میانگین رتبه	انحراف معیار	رتبه	Chi-Square	df	سطح معناداری
توزیع نامناسب مربی برای ورزش های مورد علاقه کارمندان	۲,۷۳	۱,۱۵	۴	۵۵,۶۳۸	۴	۰,۰۰۱
بروز مشکلات جسمانی بر اثر تمرینات غیرعلمی	۳,۱۹	۱,۲۰	۲			
کمبود مربیان زن کار آزموده	۳,۶۰	۱,۲۵	۱			
آشنا نبودن مربیان زن با علوم و فنون نوین ورزشی	۲,۴۳	۱,۱۹	۵			
مناسب نبودن فعالیت های ورزشی ارائه شده با نیاز شرکت کنندگان	۳,۰۵	۱,۱۷	۳			

اولویت بندی عوامل بازدارنده مربوط به امکانات نشان داد که، نبودن تشکیلات ورزشی در محل کار با میانگین رتبه ۴/۱۰ در اولویت اول و نداشتن آگاهی از اماکن ورزشی مناسب بانوان با میانگین رتبه ۳/۱۹ در اولویت دوم و کمبود وسائل ورزشی مورد نیاز با میانگین رتبه ۱/۸۶ در رتبه پنجم قرار دارد.

همچنین اولویت بندی عوامل بازدارنده مربوط به رسانه‌ها نشان داد که، ضعف اطلاع رسانی اداره، مانع آگاهی یافتن به موقع از فعالیت های ورزشی ارائه شده است با میانگین رتبه ۲/۴۳ در اولویت اول و نبودن برنامه های تلویزیونی ورزشی زنان به ویژه کارمندان با میانگین رتبه ۱/۴۳ در اولویت سوم قرار دارد.

همان طور که در جدول ۴ اولویت بندی عوامل بازدارنده نیروی متخصص مشاهده می شود، کمبود مربیان زن کار آزموده با میانگین رتبه ۳/۶۰ در اولویت اول و بروز مشکلات جسمانی بر اثر تمرینات غیرعلمی با میانگین رتبه ۳/۱۹ در اولویت دوم و آشنا نبودن مربیان زن با علوم و فنون نوین ورزشی با میانگین رتبه ۲/۴۳ در رتبه پنجم قرار دارد.

اولویت بندی عوامل بازدارنده نگرش خانواده نشان داد که ممانعت خانواده از شرکت در فعالیت های ورزشی با میانگین رتبه ۲/۸۵ در اولویت اول و موافق نبودن خانواده با حضور در اردوها یا سفرهای ورزشی با میانگین رتبه ۲/۴۴ در اولویت دوم و عدم توافق خانواده در مورد ساعات پیشنهادی فعالیت های ورزشی با میانگین رتبه ۲/۳۰ در رتبه چهارم قرار دارد.

جدول ۵. الویت بندی موانع شرکت کارکنان شهرداری منطقه ۸ در فعالیتهای اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت بدنی

شاخص	میانگین رتبه	تعداد	Chi-Square	درجه آزادی	سطح معناداری
موانع فرهنگی اجتماعی	۳,۸۸	۱۲۷	۱۰۴,۱۹۵	۵	۰,۰۰۱
موانع اقتصادی	۴,۲۴				
موانع نیروی متخصص	۴,۰۴				
موانع نگرش خانواده	۳,۶۰				
موانع امکانات	۲,۹۷				
موانع تبلیغات رسانه ها	۲,۲۷				

با توجه به جدول ۵ آزمون فریدمن انجام شده جهت الویت بندی موانع شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت بدنی بر اساس $\text{Chi-Square}=104/195$ و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ مشاهده می شود موانع اقتصادی در اولویت اول و موانع نیروی متخصص در اولویت دوم، موانع فرهنگی اجتماعی در اولویت سوم، موانع نگرش خانواده در اولویت چهارم، موانع امکانات در اولویت پنجم و موانع تبلیغات رسانه ها در اولویت آخر قرار دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف کلی پژوهش حاضر شناسایی موانع شرکت کارکنان شهرداری منطقه ۸ در فعالیتهای اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت بدنی بود. یافته های این تحقیق نشان داد که نگرش نامناسب همکاران به ورزش بانوان با میانگین رتبه ۷/۱۲ در اولویت اول و علاقه نداشتن به برنامه های ورزشی موجود برای کارمندان زن با میانگین رتبه ۷/۰۹ در اولویت دوم و اهمیت ندادن مسئولان اداره به ورزش بانوان کارمند با میانگین رتبه ۷/۰۸ در رتبه سوم قرار دارد و نداشتن فرصت ورزش کردن به خاطر مشغله کاری زیاد با میانگین رتبه ۳/۱۱ در رتبه دهم قرار دارد. طبق مدل کرافورد و همکاران (۱۹۹۳) عوامل بین فردی حاصل کنش های بین فردی یا رابطه بین خصوصیات فردی است. این عوامل یا حاصل عوامل فردی است که همسران با خود به روابط زناشویی می آورند و در نتیجه بر مشارکت

مشترک در فعالیتهای اوقات فراغت خاص اثر می گذارند یا موانعی هستند که به عنوان نتیجه روابط و تعامل همسران یا دوستان پیش می آیند. موانعی از این نوع ممکن است هم بر ارجحیت و هم بر مشارکت در فعالیتهای مشترک اوقات فراغت و همراهی کردن در فعالیتهای اوقات فراغت اثر بگذارند. در واقع موانع و مشکلات فرهنگی و اجتماعی جزئی از موانع بین فردی محسوب می شود. نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) عامل نداشتن وقت به خاطر مشغله های کاری با ۷۷ درصد، اولویت دادن کار به ورزش با ۷۴ درصد، عدم وجود مکان های ورزشی ایمن در محل کار با ۷۲ درصد و اهمیت ندادن مسئولان به ورزش بانوان کارمند با ۷۰ درصد (از مجموع درصد ارزش های بسیار زیاد و زیاد) به عنوان مهم ترین موانع ناشی از عدم مشارکت ورزشی برشمرند. یافته های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) ناهمسو می باشد. از دلایل احتمالی این ناهمسوئی می توان به تفاوت محیط های شغلی در سازمان های مختلف اشاره کرد و احتمالاً به این دلیل که شاید رد سازمان های دیگر و پست های شغلی مختلف میزان حجم کار متفاوت بوده و به این دلیل این تفاوت در یافته ها وجود دارد. نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که در اولویت بندی عوامل بازدارنده اقتصادی، درآمد پایین کامندان با میانگین رتبه ۳/۰۵ در اولویت اول و هزینه کردن بودجه ورزش در جاهای دیگر با میانگین رتبه ۲/۸۰ در اولویت دوم و عدم حمایت مالی سازمان از ورزش بانوان کارمند با میانگین

رتبه ۲/۴۳ در رتبه پنجم قرار دارد. طبق مدل کرافورد (۱۹۹۳) درک میزان مهارت شخصی، ارزیابی خود فرد از مناسب بودن یا در دسترس بودن فعالیت‌های مختلف اوقات فراغت جزء عوامل بازدارنده درون فردی محسوب می‌شود. بنابراین، احتمالاً زنان شاغل در منطقه ۸ شهرداری تهران عدم مشارکت ورزشی‌شان را عدم وجود مربیان کارآموده و همچنین مشکلات جسمانی که بعد از حضور در برنامه‌های ورزشی اجرا شده توسط این سازمان تجربه کرده‌اند، می‌دانند. در واقع، طبق مدل کرافورد و همکاران (۱۹۹۳) موانع درون فردی مهم‌ترین بازدارنده‌ها و قویترین تعیین کننده‌های مشارکت هستند، بنابراین اگر زنان کارمند حالت‌های ذهنی مثبتی را نسبت به فعالیت ورزشی نداشته باشند، احتمال مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی کاهش می‌یابد. در این راستا، نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند که کمبود مربیان زن کارآموده مهم‌ترین مانع نیروی متخصص از دیدگاه زنان کارمند می‌باشد. یافته‌های این بخش تحقیقات ناهمسو نداشت. یافته‌های دیگر این تحقیق نشان داد که در اولویت بندی عوامل بازدارنده نگرش خانواده، ممانعت خانواده از شرکت در فعالیت‌های ورزشی با میانگین رتبه ۲/۸۵ در اولویت اول و موافق نبودن خانواده با حضور در اردوها یا سفرهای ورزشی با میانگین رتبه ۲/۴۴ در اولویت دوم و عدم توافق خانواده در مورد ساعات پیشنهادی فعالیت‌های ورزشی با میانگین رتبه ۲/۳۰ در رتبه چهارم قرار دارد. طبق مدل کرافورد و همکاران (۱۹۹۳) نگرش افرادی که در مورد مناسب بودن فعالیت‌های معینی نظر می‌دهند جزء موانع ساختاری محسوب می‌شوند. بنابراین، وقتی زنان کارمند به این نتیجه برسند که برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی با ممانعت خانواده مواجه می‌شوند در واقع با موانع ساختاری مواجه هستند. برخلاف یافته‌های این تحقیق نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند در عامل نگرش خانواده، موافق نبودن خانواده با حضور در اردوها یا سفرهای ورزشی در اولویت اول قرار دارد که با یافته‌های پژوهش حاضر ناهمسویی دارد. از دلایل احتمالی این ناهمسویی می‌توان به شرایط متفاوت زندگی و نقش و وظایف زنان کارمند در تهران و شهرستان اشاره کرد. نتایج

رتبه ۲/۰۴ در رتبه چهارم قرار دارد. در واقع این مانع جزء موانع ساختاری محسوب می‌شود. عوامل بازدارنده ساختاری، عوامل مداخله‌گری نظیر وضعیت چرخه زندگی، منابع مالی، فصل، هوا، برنامه زمانی کار، دسترسی به فرصت‌ها و آگاهی از این فرصت‌ها هستند (جکسون، ۲۰۰۵) که بر مشارکت در ورزش افراد دخالت کرده و مانع از مشارکت آن‌ها در ورزش می‌شوند. از طرفی، با اندکی تأمل در سؤالات مربوط به عوامل ساختاری، تأثیر بازدارندگی عواملی مانند هزینه بالای تهیه وسایل و تجهیزات ورزشی و همچنین عدم آگاهی و نداشتن دانش کافی از فواید ورزشی به وضوح نمایان است. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد این ترتیب به شرایط خاصی که افراد دارند نیز وابسته است (احسانی و همکاران، ۱۳۸۶). طبق نظریه سلسله مراتبی مازلو، نیازهای انسانی در جوامع مختلف تابعی از شرایط موجود در آن است و با توجه به کمبودهای آن جامعه، اهمیت هر یک از طبقات نیازهای انسانی بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد در جامعه ایرانی که مشکلات اقتصادی مهم‌ترین مشکل مردم هستند، شرکت در فعالیت‌های ورزشی تابعی از نیاز اقتصادی است. برخلاف یافته‌های پژوهش حاضر، نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند که در موانع اقتصادی عدم حمایت مالی سازمان از ورزش بانوان کارمند رتبه اول را دارد و این یافته با یافته‌های پژوهش حاضر ناهمسو است. از دلایل احتمالی این ناهمسویی می‌توان چنین بیان کرد که احتمالاً شهرداری تهران به دلیل این که برنامه‌های ورزشی را برای اوقات فراغت بانوان در نظر گرفته است به این دلیل این عامل بازدارنده در این سازمان با سایر سازمان‌هایی که نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) بررسی کرده‌اند متفاوت می‌باشد.

نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که در عوامل بازدارنده نیروی متخصص، کمبود مربیان زن کارآموده با میانگین رتبه ۳/۶۰ در اولویت اول و بروز مشکلات جسمانی بر اثر تمرینات غیرعلمی با میانگین رتبه ۳/۱۹ در اولویت دوم و آشنا نبودن مربیان زن با علوم و فنون نوین ورزشی با

دیگر این تحقیق نشان داد که در اولویت بندی عوامل بازدارندهٔ مربوط به امکانات، نبودن تشکیلات ورزشی در محل کار با میانگین رتبهٔ ۴/۱۰ در اولویت اول و نداشتن آگاهی از اماکن ورزشی مناسب بانوان با میانگین رتبهٔ ۳/۱۹ در اولویت دوم و کمبود وسائل ورزشی مورد نیاز با میانگین رتبهٔ ۱/۸۶ در رتبهٔ پنجم قرار دارد. در واقع این موانع طبق مدل کرافورد و همکاران (۱۹۹۳) عوامل مداخله‌گری هستند که بر مشارکت ورزشی زنان تاثیر می‌گذارد و در واقع دسترسی به فرصت‌ها و آگاهی از این دسترسی همان امکاناتی هستند که در اختیار کارکنان زن قرار می‌گیرد. بنابراین، زنان نبودن این امکانات و عدم دسترسی به این امکانات را از موانع حضور در فعالیت‌های ورزشی می‌دانند. در این راستا، نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند که نبودن تشکیلات ورزشی در محل کار مهم‌ترین مانع مربوط به امکانات از دیدگاه زنان کارمند بود که با یافته‌های پژوهش حاضر همسو می‌باشد. یافته‌های این بخش تحقیقات ناهمسو نداشت. یافته‌های دیگر این تحقیق نشان داد که در اولویت بندی عوامل بازدارندهٔ مربوط به رسانه‌ها، ضعف اطلاع رسانی اداره، مانع آگاهی یافتن به موقع از فعالیت‌های ورزشی ارائه شده است با میانگین رتبهٔ ۲/۴۳ در اولویت اول و نبودن برنامه‌های تلویزیونی ورزشی زنان به ویژه کارمندان با میانگین رتبهٔ ۱/۴۳ در اولویت سوم قرار دارد. در واقع طبق مدل کرافورد و همکاران (۱۹۹۳) این عامل بازدارنده نیز جزء موانع ساختاری محسوب می‌شود. برخلاف این تحقیق نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) نبودن برنامه‌های تلویزیونی ورزشی زنان به ویژه کارمندان را مهم‌ترین مانع مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی دانسته‌اند. یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) ناهمسو می‌باشد. از دلایل احتمالی این ناهمسویی می‌توان تفاوت در نوع نگرش افراد اشاره کرد.

در نهایت اولویت بندی موانع شرکت کارکنان شهرداری منطقه ۸ در فعالیت‌های اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت-بدنی نشان داد که موانع اقتصادی در اولویت اول و موانع نیروی متخصص در اولویت دوم، موانع فرهنگی اجتماعی در اولویت سوم، موانع نگرش خانواده در اولویت چهارم،

موانع امکانات در اولویت پنجم و موانع تبلیغات رسانه‌ها در اولویت آخر قرار دارد. هاشمی (۱۳۸۵) نشان داد که بین عدم مشارکت ورزشی بانوان کارمند با عوامل فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و نگرش خانواده‌ها رابطهٔ معناداری وجود دارد. همچنین مشخص شد عوامل فرهنگی اجتماعی بیشترین اثر بازدارندگی مشارکت ورزشی بانوان کارمند را دارا است. کشر و همکاران (۱۳۸۶) به این نتیجه دست یافتند که در بین این زنان، عوامل ساختاری، مهم‌ترین دسته از عوامل اثرگذار بر مشارکت آن‌ها در ورزش است و عوامل بازدارندهٔ فردی و بین فردی، به ترتیب در اولویت-های دوم و سوم قرار دارند. احسانی و همکاران (۱۳۸۶) به این نتیجه دست یافتند که عوامل ساختاری مهم‌ترین دسته از عوامل اثرگذار بر مشارکت زنان در ورزش بود و عوامل بازدارندهٔ فردی و بین فردی نیز در جایگاه دوم و سوم قرار داشت. میرغفوری و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند که موانع اجتماعی، فرهنگی، شخصی، خانوادگی و امکاناتی - اقتصادی به ترتیب مهم‌ترین موانع مشارکت ورزشی هستند. نادریان جهرمی و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند که بین عدم مشارکت ورزشی زنان کارمند با عوامل فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و نگرش خانوادگی رابطهٔ معنادار وجود دارد. کریمیان و همکاران (۱۳۹۰) به این نتیجه دست یافتند که به ترتیب عوامل ساختاری، عوامل فردی و در نهایت عوامل بین فردی به لحاظ اولویت قرار گرفتند. در عوامل ساختاری عوامل اقتصادی بیشترین نقش را در عدم مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ایفا نمودند. سلطانی (۱۳۹۲) نشان داد که علل عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی- موانع زمانی و امکاناتی، عامل ساختاری، موانع خانوادگی، موانع درون فردی، موانع فرهنگی، موانع روانی رابطه معنی‌داری با موانع مشارکت زنان و دختران در فعالیت‌های ورزشی- تفریحی شهر تهران (منطقه ۶ شهرداری تهران) دارد که در این بین عامل زمانی و مکانی مهم‌ترین علت عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی- تفریحی تعیین گردید. خسروی‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که عوامل بازدارنده شرکت دانش آموزان در فعالیت‌های ورزشی خارج از مدرسه به ترتیب عبارت بودند از: عوامل مرتبط با اماکن ورزشی،

رابطه با ورزش بانوان را کاهش دهند. همچنین با توجه به این که کمبود مربیان زن کار آزموده به عنوان مهم‌ترین عامل بازدارنده نیروی متخصص بود، پیشنهاد می‌شود مسئولان ورزش شهرداری تهران برای هر منطقه مربی ورزش ویژه هر رشته ورزشی را استخدام کند.

منابع

- اشراقی، سعید؛ کاشف، سیدمحمد؛ سید عامری، میرمحمد. (۱۳۹۲). ارتباط بین عوامل بازدارنده فعالیت بدنی با مراحل تغییر رفتار ورزشی در جانبازان و معلولین شهر ارومیه. پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، دوره ۲، شماره ۳، صص: ۱۱۵-۱۲۸.
- احسانی، محمد؛ کوزه‌چیان، هاشم؛ کشکر، سارا. (۱۳۸۶). بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده و میزان مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزشی. پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۷، صص: ۸۷-۶۳.
- جلالی‌فراهانی، مجید. (۱۳۹۳). مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی. چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران.
- خسروی‌زاده، اسفندیار؛ شاه‌منصوری، عزت‌الله؛ روشن‌زاده، جمال. (۱۳۹۳). عوامل بازدارنده شرکت دانش‌آموزان دختر در فعالیت‌های ورزشی خارج از مدرسه. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۲۵، صص: ۲۱۳-۲۳۰.
- سلطانی کلوانق، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی موانع مشارکت زنان ۳۰ تا ۵۰ سال در فعالیت‌های ورزشی تفریحی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده تربیت‌بدنی.
- رضوی، سیدمحمدحسین؛ پسرکلو، اعظم. (۱۳۹۲). چگونگی گذران اوقات فراغت بانوان شاغل شهر امل با تاکید بر فعالیت‌های ورزشی. نشریه مدیریت و فیزیولوژی ورزشی شمال، دوره اول، شماره اول، صص ۳۸-۲۳.
- روزبهبانی، محبوبه؛ کامکاری، کتابیون؛ میرزاپور، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر موانع موثر بر موانع مشارکت زنان سالمند در فعالیت‌های ورزشی تفریحی استان البرز. مطالعات میانی مدیریت در ورزش، سال اول، شماره ۲، صص: ۴۳-۳۳.
- کشکر، سارا؛ احسانی، محمد. (۱۳۸۶). بررسی اهمیت عوامل بازدارنده زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیرهای خصوصیات فردی. مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲، صص: ۱۱۳-۱۱۳.
- کریمیان، جهانگیر؛ فیضی، آوات؛ جوانی، وجیهه؛ شکرچی‌زاده، پیروش؛ ترکیان، سمانه. (۱۳۹۰). تعیین الگوی عوامل بازدارنده از

مالی، بین فردی، مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی، ساختاری و فردی. روزبهبانی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که عوامل اجتماعی، سلامتی، امکانات و تسهیلات، عوامل اقتصادی، عوامل شخصی و زمان به عنوان موانع مشارکت زنان سالمند استان البرز در فعالیت‌های ورزشی تفریحی بود. ساریکا و کریستی (۲۰۱۰) موانع مشارکت ورزشی زنان هندی مقیم استرالیا را فرهنگ‌ها و عادات قومی پیشینه، موانع فرهنگی - اجتماعی، دسترسی به منابع و موانع بین فردی، حمل و نقل و مسائل مربوط به رسانه‌ها است. از نظر تارک امین (۲۰۱۱) آب و هوا، سنت، آداب و رسوم، محدودیت‌های اجتماعی، مشکلات مربوط به حمل و نقل، درآمد و وظایف خانه‌داری مهم‌ترین موانع مشارکت ورزشی هستند. نتولا و همکاران (۲۰۱۳) موانع اصلی برای ورزشکاران عبارتند از موانع ساختاری (امکانات، تجهیزات، هزینه) و نگرش منفی دولت، جامعه و رسانه‌ها. زیالسلام و همکاران (۲۰۱۳) به این نتیجه دست یافتند که موانع دولتی، موانع موسسه‌ای، موانع مذهبی و فرهنگی، موانع مالی، موانع والدین و دانش‌آموزان و سایر موانع بر مشارکت در ورزش تاثیر معناداری دارد. جارسما و همکاران (۲۰۱۴) به این نتیجه دست یافتند که موانع فردی عبارت بودند از ناتوانی و سلامتی، موانع محیطی عدم وجود امکانات، حمل و نقل و دشواری‌های دسترسی بود. یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق نتولا و همکاران (۲۰۱۳)، کریمیان و همکاران (۱۳۹۰)، کشکر و همکاران (۱۳۸۶) و احسانی و همکاران (۱۳۸۶) همسو است. اما با یافته‌های جارسما و همکاران (۲۰۱۴)، زیالسلام و همکاران (۲۰۱۳)، تارک امین (۲۰۱۱)، ساریکا و کریستی (۲۰۱۰)، ماما و دیاموند (۲۰۱۵) روزبهبانی و همکاران (۱۳۹۳)، خسروی‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، سلطانی (۱۳۹۲)، نادریان چهرمی و همکاران (۱۳۸۸)، میرغفوری و همکاران (۱۳۸۸)، هاشمی (۱۳۸۵) ناهمسو بود. از دلایل احتمالی این ناهمسویی می‌توان به تفاوت جامعه آماری و ابزارهای استفاده شده اشاره کرد. با توجه به این که نگرش نامناسب همکاران به ورزش بانوان به عنوان مهم‌ترین عامل بازدارنده فرهنگی اجتماعی بود، پیشنهاد می‌شود مسئولان و متولیان ورزش کشور از طریق آگاه‌سازی جامعه نگرش‌های نامناسب در

- Jackson. State College, PA, USA: Venture Publishing, Inc.
- Jaarsma, E. A., Dijkstra, P. U. Geertzen, B., Dekker, R. (2014). Barriers to and facilitators of sports participation for people with physical disabilities: A systematic review. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports* Volume 24, Issue 6, pages 871–881.
- Mama, K., Diamond, M., McCurdy, A., Evans, E., McNeill, H., Lee, E. (2015). Individual, social and environmental correlates of physical activity in overweight and obese African American and Hispanic women: A structural equation model analysis. *Preventive Medicine Reports* 2 (2015) 57–64.
- Noela, C., Khoo, S. (2013). Benefits and barriers to sports participation for athletes with disabilities: the case of Malaysia. *Disability & Society*, DOI:10.1080/09687599.2012.758034.
- Schulere, R.S, and Jackson, S.E (2003) *Human Resource management: Positioning for the 21st century* (8th ed). Minneapolis: west.
- Tarek Tawfik Amin, Waseem Suleman, Ayub Ali, Amira Gamal, Adel Al Wehedy. (2011). Pattern prevalence and perceived personal barriers toward physical activity among adult Saudis in Al-Hassa, KSA. *Journal of physical activity and health*, Human Kinetics. Vol 8:775-784.
- Zia-ul-Islam, Hussain, L., Abbas, A., Akhtar, R. (2013). A STUDY OF THE BARRIERS EFFECTING SPORTS IN SECONDARY SCHOOLS OF KHYBER PAKHTUNKHWA PAKISTAN. *Gomal University Journal of Research*, 29(2).
- مشارکت در فعالیت‌های ورزشی کارکنان بیمارستان‌های آموزشی شهر اصفهان بر اساس مدل سلسله مراتبی اوقات فراغت. *مجله تحقیقات نظام سلامت/سال هفتم/ شماره چهارم، صص: ۴۰۱-۴۱۰*.
- میرغفوری، سید حبیب الله. تورانلو، حسین. میر فخر الدینی، سید حیدر. (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل مسائل و مشکلات موثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی. (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه یزد). *نشریه مدیریت ورزشی*. شماره ۱، صص: ۸۳-۱۰۰.
- هاشمی، هاجر. (۱۳۸۵). بررسی عوامل بازدارنده مشارکت ورزشی زنان کارمند و ارائه راهکارهای موثر در این زمینه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خورسگان، اصفهان.
- نادریان جهرمی، مسعود. هاشمی، هاجر. (۱۳۸۸). عوامل بازدارنده مشارکت ورزشی زنان کارمند شهر اصفهان، پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۲. صص ۱۳۷-۱۵۰.
- Chery M. Walter, Rosa Du Randt. (2011). Socio-cultural barriers to physical activity among black Isixhosa speaking professional women in the Nelson Mandela metropolitan municipality. *South African Journal for Research in sport, Physical Education and Recreation*. Vol 33(2):143-155.
- Crawford, D., Godbey, G. (1993). Reconceptualizing barriers to family leisure. *Leisure science*. 9:119-127.
84. Jackson, E.L., Crawford, D.W., Godbey, G. (1993). Negotiation of leisure constraints. *Journal of Leisure Science*. 15.
- Jackson, E. (2005). "Leisure Constraints Research: Overview of a Developing Theme in Leisure Studies". Pp. 3–19 in *Constraints to Leisure*, edited by Edgar L.

Analyzing the barriers of the employees participation in leisure time programs with an emphasis on physical activity (Case study: Municipality of Tehran 8th District)

ABSTRACT

The main purpose of this study was to determining barriers of participation of Tehran municipality district 8 employees in leisure time programs with emphasis on physical activity. The population of this study was 200 women employees of district 8 Tehran municipality. The sample was 127 women that selected through random stratified sampling. In this study employees participation on sport activity barriers (Naderian Jahromi et al, 1388) was used. In order to data variance descriptive statics and for testing questions inferential statics was used. In order to normality test Kolmogrov Smirnov was used. The results indicate that in cultural social barriers, cooperates unsuitable attitudes, in economic barriers low income, in expertise human, few women coaches, family attitudes, family restrain of participation on sport activity, in facility barriers lack of sport facilities in workplace and in media barriers weak notice of someone. Also Friedman test indicate that economic barriers was the first factor, expertise force was second factor, social cultural barriers was fifth factor and media advertisements was in the last grade.

Keywords: barriers, Tehran Municipality distinct 8 employees, in leisure time programs with emphasis on physical activity